

آیا تجربه پلیس در ایران در برخورد "مناسب بانوجوانان درخاورمیانه بی نظیر است"؟!

شمس الدین _ امانتی

سران ریز و درشت رژیم جمهوری اسلامی قریب به سه ده است که روزانه جهت برآورده کردن اهداف پلید و ارتجاعی خود به انواع و اقسام دروغ و کلاه برداری متوسل میشوند. خوشبختانه در این عرصه نیز موفقیت چندانی کسب نکرده اند. اکنون بینیم این بار از قول نماینده یونیسف در ایران میخواهند چه دروغ شاخداری جهت سیزده بدر سال آینده شان را تدارک ببینند. به گزارش خبرنگار مهر در زنجان (۲۹ مهرماه ۷۸) گویا نماینده یونیسف در ایران اظهار داشته که "تجربه پلیس در ایران در برخورد مناسب بانوجوانان درخاورمیانه بی نظیر است"؟!.

بنا به اظهارات مختار حسینی در مراسم بیست و نهمین کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، حدود چهار سال است با نیروهای انتظامی ایران همکاری دارد، یونیسف با برگزاری کارگاه های متعددی در سطح استانها حدود ۱۲۰۰ نفر از فرماندهان نظامی و روسای کلانتری ها را پیرامون "حقوق کودک و استانداردهای رفتار با کودک را آموزش داده اند؟!.

ابوالقاسم رئیسی: رئیس تحصیلات تکمیلی آموزش این افراد، در رابطه با اهمیت برخورد مناسب با کودکان ونوجوانان میگوید، درمواقع مختلف وبرحسب روایاتی که به دست ما رسیده، رعایت حال کودکان ونوجوانان توصیه شده است و براین اساس "معصومین" دوران نوجوانی را به سه بخش تقسیم مینمایند. کودکان ۷ سال اول، امیرند، ۷ سال دوم، وزیرند و ۷ سال سوم مشاور خانواده هستند."

قبل ازپرداختن به اراجیف این نماینده امام زمان(ابوالقاسم رئیسی) واطهارات رئیس تعلیم وترتیب سر کلانتر ها(مختار حسینی) و در تقابل با اظهارات صاحبان کارگاههای شکنجه گری وادم کشی که هیچ ربطی به یونیسف بعنوان یک نهاد بین المللی و مدافع حقوق کودک ندارد، اشاره کوتاهی به مصاحبه ای که (بان کی مون) دبیر کل سازمان ملل متحد روز ۲۰ مهر ۸۷ در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران داشت، خواهیم کرد تا به روشنی تضاد بین دو دیدگاه مسئولین سازمان ملل متحد معلوم شود. دبیر کل سازمان ملل متحد نگرانی خود را از "افزایش ناگهانی اعدامها در ایران اعلام کرد. نامبرده ضمن اشاره "به اعدام ۲۹ نفر زیر ۱۸سال در طول یک سال، سرکوب جنیش زنان، بهائیان، شلاق زدن و تهدید همجنس گرایان به اعدام را از سایر موارد دیگر نقض حقوق بشر در ایران نام برد". بخش عمده ای از مجریان سیاست نقض حقوق بشر در ایران همین دست پرورده های کارگاه های آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان "یونیسف اسلامی" هستند که به گفته خودشان در برخورد "مناسب" بانوجوانان درخاور میانه "بی نظیرند". لازم به یادآوری است که به قدمت عمر جمهوری اسلامی همگام با سرکوب وکشت وکشتاری که رئیس سازمان ملل به آن اشاره کرد این تعلیم دیدگان مکتب جمهوری اسلامی در سرکوب جنبشهای توده ای، کارگری، دانشجویی، قتل عام زندانیان سیاسی، مبارزین چپ وعدالتخواه شرکت مستقیم داشتند.

چند ماه پیش فیلمی را از کانال فارسی تلویزیون آمریکا نگاه میکردم که ۴ پلیس اسلامی با باتوم های یک متری در اطاق یکی از کلانتری های ایران، جوان بیست ساله ای را روی یک صندلی نشانده بودند و بدستور یکی ازسرکلانترهای تعلیم دیده کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان مشغول اذیت و آزار او بودند. یکی ازاین شکنجه گران با فیچی مشغول بریدن موهای بلند این جوان بود که در آن گیرودار موفق به فیچی کردن همه موهای بلندش نشد. یکی دیگر از این شکنجه گران با عجله پلیس فیچی به دست را کنار زد و بلافاصله فندکی را از جیب درآورد و با روشن کردن آن موی سر این جوان را به آتش کشید. جرم این جوان تنها بلند بودن ۳ تا ۴ سانتی متری موی سرش بود. با بیان این نمونه کوچک و روزانه، معلوم می شود معنی برخورد نامناسب پلیس وحشی در نظام جمهوری اسلامی به جوانان نه در خاور میانه، بلکه در دنیا هم بی نظیر است. با نگاهی گذرا به دریافت روایاتی که از "معصومین" به شهادت و دروغگو ی این نهاد سرکوبگر، ابوالقاسم رئیسی، رئیس تحصیلات تکمیلی آموزش نازل شده، اشاره کوتاهی خواهیم کرد.

روایت رسیده به آقای ابوالقاسم رئیسی حاکی است که کودکان ۷ سال اول امیرند، از قرار معلوم رشته تحصیلی این "معصوم" روانشناسی کودک بوده است. امامعلوم نیست کودک مورد نظر ایشان پسر است یا دختر؟ البته در عرف اسلام منظور ایشان پسر بوده چون در اسلام زن نمیتواند امیر باشد. امیر سرداری جنگی است که با شمشیر دولبه اش در دشت کربلا آتش به پا میکند. تاجانی که همه ما اطلاع داریم در خانواده های که به مسلمان معروفند، اگر امیری مرد وجود داشته باشد پدر یا پسر بزرگ خانواده است. در نظام اسلامی مادر و دختر، نه تنها امیر نیستند بلکه خدمتکار و برده مرد خانه وجنس مذکر هستند. امامان "معصوم" ایشان ترجیح میدهند از همین سن وسال حاکمیت مردان را در خانواده تثبیت کنند.

روایت های دوم و سوم ارسال امام "معصوم" نوجوانان را که وزیر و مشاور خانواده معرفی میکند وزارتش ارزانی آقای کردان وزیر متقلب احمدی نژاد.

بررسی مختصری از سیر نزول اجتماعی نوجوانان در جامعه تحت حاکمیت سرمایه در ایران، دروغ وکلاهبرداری این "معصومان" را بیشتر بر ملاخواهد کرد که مختصراً به آن میپردازیم.

۱ _ با توجه به پایگاه طبقاتی خانواده های ایرانی که اکثراً کارگر، زحمتکش و بیکار هستند، اساساً خانواده ها زندگی بخور و نمیر و نرمالی برایشان باقی نمانده که کودکانشان در ناز و نعمت به سر ببرند که لقب "امیر" به آنها داده شود. فرزند این خانواده ها به محض اینکه بتواند راه برود همراه پدر و برادرش و یا به تنهایی مشغول دستفروشی، شستن شیشه ماشینها در چهارراه های شلوغ، کار در کوره پزخانه ها، خوابیدن بروی تکه مقوایی در کنار مادرش در گرمای و سرما ۴۰ درجه زیر و بالای صفر با شکمی گرسنه مشغول گدائی هستند، این کودکان در مواردی در دام باندهای مافیائی همین حضرات گرفتار می شوند و این نوجوانان را از همان دوران ۷ سالگی بجای "امیری" معتاد و توسط باندهای قاچاق کودک این زانو صفتان به کشورهای عربی جهت استفاده جنسی فروخته خواهند شد. نتیجه تحلیل بیمارگونه این "امام معصوم" و سرنوشت شوم "امیر" در خانواده تهی دست از نوع اسلامیش ازاین هم بدتر خواهد شد.

۲ _ ۷ سال دوم به روایت "معصومین" نوجوانان وزیرند. این دوران، دورانی حساس و بحرانی درزندگی نوجوانان است. حال بینیم این قشر در جامعه تحت حاکمیت رژیم دروغگو و فریبکار اسلامی دچار چه سرنوشتی هستند و وزارتخانه بی وزیرش در چه حالی است؟

شروع مدرسه از تحولات مهمی است که نوجوانان در این سن با آن مواجه هستند. کاخ آرزوهایشان در این سن وسال شکل میگیرد. رژیم دیکتاتور اسلامی ایران تمام سعی خود را در به انحراف کشاندن فکر و جسم این جوانان بکار خواهد گرفت و به محض اینکه از کلبه بی رونق و بی آب و نان خود که همانا خانه کرایه پدري است خارج میشوند، باندهای مافیائی آنهم از نوع

اسلام ارتجاعیست دام وسیعی را برای این نوجوان گسترده اند و آنان را شکار میکنند. تازه گیها هم قرار است قبل از ورودشان به مدرسه در کلاسهای پیش از دبستانی قرأت قرآن و آشنائی با مبانی آنرا به این کودکان یاد دهند. (درد بی درمان و هزینه بردار کلاسهای پیش از دانشگاهی کم نبود پیش از دبستانی هم به آن اضافه شد) سپس و مطابق روال تاکنونی آنها را برای بمب گذاری و مین رویی در جبهه های "دفاع مقدس" آماده شهادت کنند. این بار نیز نوجوان از پست وزارت در خانه پدری به سپاهی و بسیجی در جامعه نزول کردند.

۳ _ اکنون ببینیم ۷ سال سوم جوانان و سمت مشاور افتخاری "معصومین" و امامان در نظام اسلامی سرمایه برای آنها به چه معنایی است. مشاورین با هزار و یک بدبختی، فقر، گرسنگی، تحقیر و تازه اگر به دام مافیای اسلامی هم نیفتند، به اخذ دیپلم نائل میشوند. بیشتر از ۹۰ درصد این دیپلمه ها در جامعه بیکار و سرگردان میشوند و عده ای از این ۱۰ درصد باقیمانده با کمک خانواده های خود پولی را از پس انداز چند ساله خود و یا با دریافت وام از بانک اگر شانس دریافت آنرا داشته باشند، فرزندانیشان را به دانشگاه میفرستند. اما فرزندان آخوندها (آقا زاده ها) و دیگر سران رژیم بدون کنکور وارد دانشگاه شده و بدون دردسر به اخذ انواع و اقسام لیسانس، استادو دکترای افتخاری از نوع کلاه بردار معروف آقای کردان تا سطح وزیر کشور ارتقا خواهند یافت. در مقابل، آن دسته از دانشجویان معترض به قوانین ارتجاعی رژیم اسلامی، روزانه با امضای تعهد نامه، اخراج، زندان، شکنجه و اعدام مواجه هستند و تازه اگر بعد از این خان زجر و بیعدالتی دانشگاه را هم به اتمام برسانند با مشکل بیکاری که دامن گیر اکثر جوانان و سایر اقشار تهیدست جامعه است روبرو خواهند شد. این هم سرنوشت مشاورین، از برکت حاکمیت ۳۰ ساله جمهوری اسلامی آقای ابوالقاسم رئیسی.

اکنون نتیجه سه ده حاکمیت اسلامی در عرصه آموزش و پرورش، دانشگاهها و مراکز علمی و دست آورد ناشی از این نظام ارتجاعی را از زبان امام فعلی و سردسته دروغگو یان، آقای خامنه ای بشنویم. خامنه ای طی پیامی که به شرکت کنندگان در چهل و سومین نشست سالانه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا ارسال کردند "خواستار کوشش جوانان در راه فراگیری دانش برای بازگرداندن اقتدار معنوی و مادی ملت و کشور شد که روزی مشعل دار دانش و نو آوری درجهان بود!" (خبرگزاری کانون دانش آموزی ۸۷/۸/۵).

به جای این ریاکاری، لازم است عواملی که باعث فقر، بیکاری، گرسنگی و بی اعتباری اقتدار جهانی و مادی مردم زحمتکش و ستمدیده ایران شده را شناخت، آنرا ریشه کن کرد و سپس اقتدار و حاکمیت کارگران و زحمتکشان را به جای آن ایجاد کرد. از نظر جمهوری اسلامی بعد از حکومت "عدل علی" که خود نمونه امروزی آن است، سایر حکومتها دیگر فاسد هستند. مطابق اسناد تاریخی در دوران حکومت "عدل علی" بجز کشت و کشتار و به غنیمت گرفتن زنان بی دفاع جهت مزین کردن حرمسراهایشان و اشغال مناطق دیگر کاری انجام نداده اند. اگر آن تاریخ دور و در دسترس نسل کنونی نیست، تاریخ ۳۰ سال اخیر جنایات جمهوری اسلامی بر همه کس واضح و عیان است. دهها هزار اعدامی، صدها هزار کشته و مجروح در جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق، سرکوب و حشیانه و خونین مردم ترکمن صحرا، دانشگاهها، زنان، مطبوعات و قلم های آزاد اندیش و انساندوست، آواره کردن چهار میلیون ایرانی، معناد کردن بیش از ده میلیون نفر دیگر، سرکوب مداوم و روزانه معترضین و دگراندیشان، سرکوب خونین و درندانه مردم کردستان و دهها نمونه دیگر، نمونه های گویا و غیر قابل انکار از حاکمیت "عدل علی" جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته است. در این فضای رعب و وحشت، دانش را چگونه میتوان فراگرفت؟ در این فضای آلوده معنویت و مادیت جز فقر و فساد چه چیزی از سوی سران رژیم اسلامی میتواند معنا و مفهوم داشته باشد؟

بر خلاف نظر رهبر جمهوری اسلامی، اگر به تاریخ ایران نگاه کنید هیچکدام از مخترعین و دانشمندان این دیار چه در گذشته و چه در دوران معاصر نه اینکه مشعل دار مذهب و بنیادگرایی دینی و مروج کشتار و سرکوب انسانها نبودند حتا از سنخ و جنس شما هم نبودند، به همین دلیل در زمره افتخارات شما هم محسوب نخواهد شد.

یقیناً منظور خامنه ای از "علما و دانشمندان مشعل بدست" ملاهای دعا بنویس و مفتخور های دم درب حجره ها و رمالان مکاری است که بی شک دوران عوام فریبی آنان نیز مدتها ست سپری شده است.

آنچه که اکنون جمهوری اسلامی را بر سر پا نگهداشته نه فتوا و پیامهای خامنه ای و دیگر رهبران سیاسی و مذهبی حکومت اسلامی و نه توهامات و اعتقادات مذهبی مردم جان به لب رسیده ایران به آنان، بلکه سرکوب و وحشیگری روزانه حکومت "عدل علی" از سوئی و عدم عرض اندام سازمانیافته، آگاهانه و متشکل طبقه کارگر و مردم ستمدیده برای تصرف قدرت سیاسی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. خلاء عدم وجود الترناتیو انقلابی و سوسیالیستی، حکومت اسلامی را باید با فعالیت آگاهانه و پرحوصله پر کرد و از شر این نظام قرون وسطائی نجات یافت.